

پارادوکس سرکوب واصلاحات در حکومت سعودی!

رژیم کنونی عربستان سعودی تحت کنترل محمد بن سلمان، این تفاوت عجیب را دارد که سرکوبگر ترین رژیم در تاریخ اخیر عربستان سعودی است و همچنین از بعضی جهات، اصلاح طلب ترین محسوب می شود. این پارادوکس نمایان، هفته گذشته زمانی کاملاً آشکار شد که بعد از آنکه یکی از برجسته ترین فعالان لیبرال سرشناس این پادشاهی در زندان مرد، مقامات از لغو شلاق مجرمان و مجازات اعدام برای جرایم مرتکب شده از سوی کودکان پرده برداشتند. روزنامه واشنگتن پست در مطلبی نوشت: عبدالله الحامد ۶۹ ساله بر اثر سکته مغزی در گذشت که نتیجه مستقیم بدرفتاری با او از سوی رژیمی بود که او را در سال ۲۰۱۳ به جرم حمایت از انتقال صلح امیز به سمت دموکراسی، به ۱۱ سال زندان محکوم کرد. این لکه تنگ دیگری برای محمد بن سلمان است که از زمان به قدرت رسیدن، به دلیل نظارت بر دستگیری گسترده بازرگانان پیشرو، شکنجه و زندانی کردن فعالان مدنی زن و قتل جمال خاشقجی روزنامه نگار بدنام شده است. بن سلمان نمی خواهد اینگونه شناخته شود؛ او خود را به عنوان شخص مدرنیزه کننده نشان می دهد که جامعه و اقتصاد سعودی را برای قرن بیست و یکم اصلاح و مترقی می کند. برای انجام این کار، او به شدت نیاز به جذب سرمایه گذاری خارجی دارد. بنابراین شاید اتفاقی نباشد که چند روز پس از درگذشت عبدالله الحامد، مقامات اعلام کردند مجازات شلاق زند و اعدام افراد محکوم به ارتکاب جرمی که در زمان انجام آن زیر ۱۸ سال بودند، لغو می شود. مانند اصلاحات قبلی، همچون رفع محدودیت برای زنان و اجازه فعالیت به سالن های سینما و سایر سرگرمی های عمومی، این تغییر بیش از پیش اقدامی نمادین بود. حداقل نیمی از زندانیان زیر ۱۸ سال در انتظار اعدام هستند، از جمله تعدادی که در اعتراضات ضد دولتی توسط اقلیت شیعه این جامعه شرکت داشتند. مشهور ترین شلاق زند در سال های اخیر علیه رئیف بدوی، وبلاگ نویس لیبرال انجام شد که از تشکیلات مذهبی این کشور انتقاد کرده بود.



با این حال، برای بن سلمان اصلاحات یک تمرین استبدادی است که تنها توسط او کنترل می شود و عمداً نسبت به فعالانی که از اساس حامی تغییر هستند، تعصب آمیز است. این رژیم ضمن اعطای حق راندگی به زنان در سال ۲۰۱۸، تن از سرسخت ترین مدافعان این حق را دستگیر کرد. تعدادی از آن ها به طرز وحشیانه ای شکنجه شدند و دو تن از برجسته ترین ها آن ها همچنان در حبس مانده اند و این درحالیست که آن ها هرگز در هیچ جرمی محکوم نشده اند. رئیف بدوی نیز همچنان در زندان است و حکم ۱۰ سال حبس دارد. خواهر او هم یکی از فعالانی است که از ژوئیه سال ۲۰۱۸ بدون محاکمه در زندان به سر می برد. محمد بن سلمان هر دو راه را در پیش گرفته است: آزادانه به سرکوب وحشیانه تمام صداهای مستقل در این پادشاهی می پردازد، در حالی که در داخل و خارج از این کشور برای اصلاحاتی که به عنوان یک حاکم مطلق خیر خواه توزیع می کند، اعتباری به دست می آورد. این یک استراتژی کارآمد در قرن بیست و یکم نیست، همانطور که ادامه رکود اقتصاد سعودی این را نشان می دهد. جنایات محمد بن سلمان عمیقاً بر امتیازات او بابت مدرنیته سایه انداخته است؛ اگر این حاکم ۳۴ ساله به سرعت مسیر خود را تغییر ندهد، آن ها آنچه را که او به دنبال تحقق آن است، از بین می برند. به هر ترتیب این شیوه نمادی از تضاد میان لایه های گوناگون حکومت سعودی و خصوصاً ناع قدرت در دربار آل سعود است؛ وضعیتی که به خوبی نشان می دهد سنت و مدرنیته در سرزمین سعودی به جدال یکدیگر رفته اند. اینکه سازمان های بین المللی حقوق بشری از این قدام عربستان خرسند می شوند و آن را تشویق می کنند، موضوع عجیبی نیست. اگر شما هم میلیاردها دلار پول داشتید همه شما را تشویق می کردند!

گزارش «توسعه ایرانی» از تحرکات جدید صهیونیست ها برای الحاق کرانه باختری

بایکوت هویت یک سرزمین به سبک لیکود



فرشاد گلزاری

چندروز پیش (دوم اردیبهشت) خبر توافق میان بنی گانتس (رهبر ائتلاف آبی و سفید) و بنیامین نتانیاهو (رهبر حزب لیکود) از سوی رسانه ها منتشر شد که نشان دهنده کنار آمدن دو طرف با یکدیگر برای تشکیل کابینه بود. پس از انتشار این خبر بسیاری از مخالفان نتانیاهو مانند اوئگدور لیبرمن (رهبر حزب اسرائیل خانه ما و وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی) با تشکیل کابینه و نخست وزیری چرخشی مخالفت کردند و تمام حجه های خود را علیه وی به کار بردند؛ تا جایی که در کمتر از سه روز داده هایی از تل آویو مخابره شد که نشان داد مخالفان نتانیاهو حتی با نخست وزیری یکسال و نیمه او هم مخالف هستند و حتی کار به جایی کشید که مخالفان وی به دنبال فعال کردن مجدد پرونده های فساد اداری و اقتصادی او بودند تا از این طریق بتوانند او را مورد هدف قرار دهند. طی هفته ها و ماه های اخیر و حتی قبل از تشکیل

دولت ائتلافی فعلی در اسرائیل شاهد آن بودیم که انتقادهای زیادی علیه نتانیاهو به وقوع پیوست و کار به جایی رسید که پس از سه دوره برگزاری انتخابات کنست در اسرائیل باز هم هیچ آمیدی به تشکیل دولت نبود؛ اما به نظر می رسد که در دو هفته اخیر اتفاق های زیادی در مورد تشکیل کابینه به وقوع پیوسته است که در نهایت دو طرف با وجود ادامه اختلاف ها به ائتلاف با یکدیگر تن دادند. به هر ترتیب کابینه ائتلافی تشکیل شد و قرار بر این است که نتانیاهو در دور اول (به مدت یک سال و نیم) دوم نخست وزیری، بنی گانتس به مدت یک سال و نیم عهددار این مقام و منصب باشد. این وضعیت دقیقاً همانجایی است که نتانیاهو احساس می کند به هر ترتیب که شده باید طی مدت نخست وزیری اش فضا را به گونه ای جلو ببرد که بعدها باز هم بتواند عهده دار مسئولیت در این رژیم باشد یا ادوار آینده به صورت دیگر وارد عرصه سیاسی شود. به همین جهت او به دنبال آن است تا بتواند به هر ترتیب وروشی که شده خود را پیگیر آرمان های یهود و تحقق خواسته های

مردم سرزمین های اشغالی نشان دهد. به همین جهت یکی از سناریوهای اصلی که نتانیاهو به صورت ویژه در دستور کار خود قرار داده، مساله الحاق کرانه باختری رود اردن به سرزمین های اشغالی است که به قبل از انتخابات دور سوم و در خلال تشکیل کابینه اسرائیل بارها و بارها به آن اشاره کرده بود.

اسرائیل در اردن را می خواهد، اما چرا؟

یادمان باشد که اسرائیل بر اساس راهبردهای کلی که در کتب خود دارد و همچنین مسائلی که تئودور هر تسل (بنیانگذار جنبش سیاسی صهیونیسم) و سایر اندیشمندان پشت صحنه این سیاست ها بدان اشاره کرده اند، حرکت می کند و تمام سیاست ها و اظهارات مهره های سیاسی – امنیتی سابق، فعلی و آینده اسرائیل بر اساس همین راهبردها شکل گرفته و خواهد گرفت. باید متوجه باشیم که از کرانه باختری در پروژه صهیونیست ها به عنوان سرزمین «دولت یهود» نام برده شده است و دولت اسرائیل این قضیه را تال الحاق پیش خواهد برد. به عبارتی دیگر الحاق کرانه غربی رود اردن را باید بخشی از ادبیات

الحاق کرانه غربی رود اردن را باید بخشی از ادبیات سیاسی اسرائیل دانست و به همین جهت است که نتانیاهو قبل از تشکیل کابینه اعلام کرد نقشه برداری از این منطقه با کمک کارشناسان آمریکایی در حال انجام است

سیاسی اسرائیل دانست. به همین جهت است که قبل از تشکیل کابینه و قبل از برگزاری دور سوم انتخابات کنست، نتانیاهو اعلام کرد که نقشه برداری از این منطقه با کمک کارشناسان آمریکایی در حال انجام است. عده ای بر این عقیده بودند که نتانیاهو در آن زمان به دنبال جمع آوری رای برای خود و حزیش بود و عملاً از این موضوع فقط به عنوان اهرم فشار به نفع خود استفاده کرده است؛ اما حالا که کابینه تشکیل شده، باز هم شاهد آن هستیم که نتانیاهو بر الحاق کرانه باختری بیش از هر موضوع

دیگری تکیه دارد. یکی دیگر از دلایلی که اسرائیل بحث کرانه باختری را در دستور کار قرار داده بحران مسکن است. این مسئله نه تنها در زمان نتانیاهو بلکه در زمان نخست وزیر های قبلی این رژیم هم مطرح بوده است؛ به همین دلیل تنها جایی که می توان از آن برای رفع این مشکل استفاده کرد کرانه باختری است. از اینرو اگر به مذاکرات اسرائیل و فلسطینی ها از روز اول تا کنون نگاه کنیم می بینیم که آنها به هیچ وجه در مورد شهر کساری و پروژه الحاق کرانه باختری کوتاه نیامده و همیشه این مساله را در دستور کار قرار داده اند و حالا هم که به دنبال ضمیمه این منطقه به سرزمین های اشغالی هستند، این در حالیست که نباید از جایگاه و اهمیت زمین های حاصلخیز غور اردن در ادبیات محیطی اسرائیل غافل شویم. اما مساله دیگر منابع آبی کرانه باختری است. این موضوع را به خاطر بسپارید که اسرائیل همچنان با معضل کمبود منابع آبی دست و پنجه نرم می کند و این مساله را نوعی تهدید امنیت ملی خود می داند. به همین سبب برای تامین منابع آبی خود دست به هر کاری می زند؛ به گونه ای که با صرف نظر از منابع آبی کرانه باختری، باید به این نکته توجه شود که بخش اعظمی از منابع آبی اسرائیل در بلندی های جولان قرار دارد که این منطقه هم چند ماه پیش با دستور یک طرفه آمریکا، به تل آویو داده شد.

چراغ سبز واشنگتن، مخالفت اتحادیه اروپا

صرف نظر از اهمیت ویژه کرانه باختری برای اسرائیل و همچنین مسائل داخلی و حزبی که نتانیاهو به دنبال آن است، باید به این مساله مهم توجه داشته باشیم که این اقدام نه تنها به معنای جدا کردن خاک اردن و مصادره آن به نفع اسرائیل است، بلکه بخشی از معامله قرن به حساب می آید. بسیاری از مخاطبان و حتی کارشناسان فکر می کنند که الحاق کرانه باختری به سرزمین های اشغالی، یک مساله جدا از معامله قرن است؛ در صورتی که این موضوع کاملاً غلط است. چرا که الحاق در اردن بخشی از معامله قرن است که کلیت آن توسط ایالات متحده و اعراب خلیج فارس تأیید شده است اما مساله این است تا زمانی که آمریکایی ها در

اینکه واشنگتن از اسرائیل می خواهد تا با فلسطینی ها مذاکره کند، نشان می دهد که ایالات متحده از تبعات الحاق کرانه باختری هراس دارد و مطمئن است که با پاسخ سخت گروه های فلسطینی روبرو خواهد شد

مورد الحاق کرانه باختری رود اردن به اسرائیل چراغ سبز نشان ندهند، این اقدام به هیچ وجه عملیاتی نمی شود. در این رابطه شاهد بودیم که دوشنبه شب یکی از سخنگویان وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که واشنگتن ضمن آنکه آماده است تا با حاکمیت و اعمال قوانین اسرائیل در بخش هایی از کرانه باختری رود اردن موافقت کند، از اسرائیل می خواهد تا با فلسطینیان مذاکرات بیشتری انجام دهد. این موضع گیری بدان معناست که هیچ مخالفتی از سوی آمریکا در مورد الحاق کرانه باختری وجود ندارد اما اینکه واشنگتن از اسرائیل می خواهد تا با فلسطینی ها مذاکره کند، نشان می دهد که ایالات متحده از تبعات الحاق کرانه باختری هراس دارد؛ چرا که ممکن است با پاسخ سخت گروه های فلسطینی روبرو شود. این درحالیست که صائب عریقات، دبیر کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین در گفتگوی تلفنی با آن لینیدی (وزیر خارجه سوئد) و برنارد کوپنتن (رئیس دفتر وزیر خارجه بلژیک) درباره آخرین تحولات فلسطین و تدابیر دولت اسرائیل و تلاشش برای الحاق بخش هایی از کرانه باختری و غور اردن رابزنی کرده و آنها هم مخالف این موضوع هستند. به موازات این تحولات قرار است وزرای خارجه اتحادیه عرب فردا (پنجشنبه، یازدهم اردیبهشت) نشست فوق العاده ای را از طریق ویدئو کنفرانس به منظور بررسی مقابله با طرح الحاقی کرانه باختری برگزار کنند. به هر ترتیب احتمال الحاق کرانه باختری دور از ذهن نیست، اما بدون تردید واکنش هایی را به همراه خواهد داشت که کار را برای نتانیاهو سخت خواهد کرد.

خبر

در پی درگیری شهروندان و نیروهای امنیتی رخ داد؛

فاز جدید اعتراضات علیه اوضاع اقتصادی لبنان



در میدان النور راه بیمارستان های طرابلس منتقل کردند. طبق این گزارش، معترضان لبنانی همچنین ساختمان بانک مرکزی در شهر صیدا را با پر تاب سنگ و مواد منفجره هدف قرار دادند و بلافاصله نیروهای ارتش در این مکان حاضر شدند. ارتش لبنان از معترضان خواست که خیابان ها

منابع خبری اعلام کردند که در پی درگیری معترضان و نیروهای امنیتی لبنان در شهر طرابلس بیش از ۱۰ تن از دو طرف مجروح شدند و یک خودروی نظامی نیز به آتش کشیده شد. شبکه خبری المیادین اعلام کرد که دوشنبه شب شماری از شهروندان لبنانی با حضور در خیابان های طرابلس و میدان النور علیه اوضاع اقتصادی کشورشان تظاهرات کردند. طبق این گزارش، چهار نظامی در طرابلس در پی پر تاب سنگ، کوکتل مولوتوف و نارنجک به سمت آنها توسط معترضان مجروح شدند و یک خودروی نظامی نیز به آتش کشیده شد. المیادین همچنین گزارش داد که هشت تن از معترضان نیز در پی درگیری با نیروهای امنیتی مجروح شدند که حال یکی از آنها وخیم گزارش شده است. در همین راستا، پایگاه خبری العهد نیز اعلام کرد که شش تیم امدادرسانی وابسته به صلیب سرخ لبنان افراد مجروح

بلومبرگ: اعلام خودمختاری در جنوب یمن ضربه ای به عربستان است

خبرگزاری بلومبرگ در گزارشی اعلام کرد اعلام خودمختاری مناطق جنوب یمن از سوی شورای انتقالی ضربه ای به عربستان و تلاش هایش برای پایان این جنگ ویرانگر است. در گزارش خبرگزاری بلومبرگ آمده است: در ماه نوامبر دولت عبیده به منصور هادی، رئیس جمهور مستعفی یمن و جدایی طلبان جنوب یمن توافق را برای پایان دادن به درگیری امضا کردند. این توافق به درستی اجرا نشد و درگیری هایی میان دو طرف طی ژانویه رخ داد. اکنون نیز با اعلام خودمختاری مناطق جنوب یمن احتمالاً جنگی که از پنج سال پیش آغاز شده است همچنان ادامه داشته باشد. در این گزارش آمده است: درگیری میان هادی و جدایی طلبان سال ۲۰۱۸ آغاز شد و در ماه نوامبر توافقی برای توقف جنگ در میان جنگ حاصل شد. این توافق به دولت هادی در مذاکره با انصارالله اعتبار بخشید و ولی در نهایت امارات دست به یک اقدام کلی علیه ریاض زد.

